

## مقاصد شریعت در حوزه حجاب با رویکرد انتقادی نسبت به نظریه حجاب حداقلی

مهدی شوشتری<sup>۱</sup>، محمدرضا محمودی<sup>۲</sup>، علی باغچقی<sup>۳</sup>  
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۳)

### چکیده

مقاصد شریعت غایاتی است که شریعت با هدف تحقق آنها وضع شده است و برای حجاب و عفاف شرعی نیز در آیات و روایات و نظرات فقها مقاصدی بیان شده است. بررسی این مقاصد، در تحلیل صحیح قرائت حداقلی از مقوله حجاب مؤثر است. پژوهش پیش رو با شیوه توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از آیات و روایات و آراء مفسران و فقهای امامیه، حجاب را در فرهنگ قرآن و لغت بررسی کرده و پس از تبیین نظریه حجاب حداقلی و دلایل آن، در پاسخ به سؤال مقاصد شریعت در حوزه حجاب و کیفیت تحلیل نظریه حجاب حداقلی بر اساس آن شش مورد از مقاصد شریعت را در حوزه حجاب و ستر شرعی بیان نموده است. حفظ جان آدمی از گرما و سرما، حفظ نسل و سلامت خانواده و جامعه، پیشگیری از فساد و فتنه، کسب تقوا و تطهیر قلوب، تکمیل زیبایی آفرینش انسان و جلوگیری از آزار و اذیت و فراهم نمودن امکان حضور زنان در جامعه برخی از این مقاصد هستند. با توجه به بررسیهای صورت گرفته علاوه بر ناقص بودن ادله قائلین به نظریه حجاب حداقلی، مقاصد شریعت در حوزه حجاب و عفاف نیز با حجاب حداقلی منافات دارد.

**کلیدواژه‌ها:** مقاصد شریعت، حجاب شرعی، مقاصد حجاب، حجاب حداقلی.

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (نویسنده مسئول) /

mahdishoshtari@chmail.ir

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی /

mrmahmudi@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد / alib57@chmail.ir

## طرح مسئله

مراد از مقاصد شریعت، اهداف، نتایج و فوایدی است که از وضع شریعت به طور کلی و وضع احکام آن ب طور جزئی، مورد انتظار بوده است؛ به تعبیر دیگر، غایاتی است که شریعت به هدف تحقق آنها وضع شده است (فاسی، ۱۴۱۱ق، ۷؛ ریسونی، ۱۴۱۲ق، ۷).

مقاصد شریعت می تواند راهکاری برای پاسخگویی به احکام مستحدثه به شمار آید و توجه به مقاصد شریعت برای جلوگیری از حیل‌های شرعی مفید است (شاطبی، ۱۳۴۱ق، ۳۸۰/۲). آشنا کردن متفکران شریعت با مسلک‌های فقهی در جهت تفسیر نصوص و علت‌یابی احکام و استدلال بر آن و حکم قرار دادن آنها به هنگام اختلافات فقهی نیز از آثار توجه به مقاصد شریعت در استنباط است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۱ق، ۳).

حجاب در کاربرد فقهی و اصطلاح فقیهان، پوشش ویژه‌ای برای زنان است که مانع و بازدارنده نگاه نامحرمان به ایشان و یا مانع انگیزش تمایل جنسی مردان باشد. پیدایش و کاربرد این اصطلاح به جای ستر که در گذشته، میان فقیهان رایج و معمول بوده است، به باور برخی از محققان چون مطهری، پیشینه چندانی ندارد و یک اصطلاح نسبتاً جدید است (مطهری، ۱۳۷۶ش، ۴۳۰/۱۹) و فقها هر جا متعرض این مطلب شده‌اند کلمه «ستر» را به کار برده‌اند نه کلمه حجاب را.

از آیات و روایات و نظرات فقها چنین استنباط می‌شود که حجاب و ضرورت آن در زنان، طریقت دارد نه موضوعیت؛ به عبارت دیگر، حجاب به خودی خود اصل و هدف نیست بلکه هدف حفظ عفت و تأمین مقاصد شریعتی است که در این پژوهش ذکر می‌شود؛ به علاوه لزوم پوشش در مورد امکان نکاح و جماع و هم‌چنین در برخورداری از جذابیت و لطافت جسمی و روحی در زنان معنا می‌یابد که این موارد اغلب مربوط به زنان جوان است و شاهد این موضوع، آیه ۶۰ سوره نور هست که پس از دستور پنهان کردن زینت در زنان، سالخوردگان را از این حکم کلی مستثنا کرده است و دلیل آن را امیدنداشتن به نکاح دانسته و البته آن را هم مشروط به عدم تبرج و زینت نموده است. اگرچه که به همین افراد هم توصیه نموده که داشتن پوشش و عفت برای آنها بهتر است.

مطلب دیگری که پس از وجوب پوشش مورد توجه قرار می‌گیرد، نوع پوشش و حدود آن است؛ مطابق با روایت «جسد المرأة عورة» یا «المرأة عورة» و یا «النساء عورة» و

هم‌چنین با توجه به آیه «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا: زینت خود را مگر مقداری که پیداست، آشکار نکنند» (نور، ۳۱) فقها قائل‌اند به اینکه تمام بدن زن عورت و زینت است به جز آنچه از این زینت که استثناء شده است و تنها صورت و دستان زن (از مج به پایین) می‌تواند ظاهر باشد و سایر بدن باید پوشیده باشد (نجفی، ۱۴۱۵ق، ۷۶/۲۹).

طوسی هم در «خلاف» صورت و دستها را مستثنا نموده و فرموده: «انَّ ما لیس بعورة الوجه و الکفان». ایشان هم‌چنین این نظر را به شافعی و مالک نسبت داده است (طوسی، ۱۳۶۵ش، ۲۴۷/۴). اکثر فقهای دیگر نیز نظری شبیه به طوسی دارند (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳ق، ۳۵۵؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ۵۷۳).

صاحب مجمع‌البیان هم با اشاره به آیه «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا: و بر زنان از کار افتاده‌ای که [دیگر] امید زناشویی ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند» (نور، ۶۰)، پوشش زنان مسن و زنان جوان را متفاوت می‌داند و می‌فرماید: زنان پیری که بازنشسته شده و در معرض زناشویی نیستند و کسی به آنها رغبت ندارد، می‌توانند روسری خود را بردارند. یعنی زنانی که حائض نمی‌شوند و به مرحله‌ای رسیده‌اند که طمعی به ازدواج ندارند و به خاطر پیری، مردها به آنها بی‌رغبت هستند، اینها می‌توانند روسری و چادر را از خود بردارند؛ به شرطی که قصدشان از کنار گذاشتن روسری جلوه‌گری و دلربایی نباشد. بلکه قصد آنها این باشد که خود را از قیود آزاد سازند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۲۴۳/۷).

در مقابل عده‌ای با طرح نظریه حجاب حداقلی قرائت متفاوتی از مقوله ستر شرعی ارائه نموده‌اند. ادعای این افراد وجود پوشش حداقلی و بعضاً برهنگی در زمان پیامبر ﷺ است. این عده برای اثبات مطلوب خود به گسترده‌گی فرهنگ برهنگی در زمان پیامبر ﷺ می‌پردازند و آن را فرهنگ غالب و رواج‌یافته زمان ایشان معرفی می‌کنند و اصلی‌ترین وظیفه پیامبر ﷺ را رهایی مردم از برهنگی مطلق می‌دانند. این عده حجاب به معنای امروزی که شامل ستر ساق پا و یا مو شده است را قرائتی نادرست از مقوله دین می‌پندارند و اصل حجاب را صرفاً پوشانیدن شرمگاه و عورتین می‌دانند.

«پیامبر ﷺ فقط از آنان می‌خواست که برهنه راه نروند، چراکه برهنگی رواج داشته و امری عادی بود و قسمتهای مختلفی از اندام زنان همیشه نمایان بود. در چنین شرایطی اسلام صرفاً انتظار پوشانیدن جامه‌ها و جلوگیری از آشکار شدن ناحیه دامن را داشت و زمینه‌ای برای

دستور به پوشش ساق پا، ساعد و آرنج، گردن و موی سر وجود نداشت» (ترکاشوند، ۱۳۹۰ش، ۱۱-۹).

این مقاله در صدد آن است که مقاصد شرعیه در مقوله حجاب را تبیین نموده و با بررسی نظریه حجاب حداقلی، مشروعیت آن را بررسی کند.

### حجاب در فرهنگ قرآن و لغت

حجاب در فرهنگ قرآن کریم به معنای چیزی به کار رفته که میان دو شیء حائل شده باشد، چنانکه در آیه ۵۱ شوری و ۴۶ اعراف و برخی دیگر از آیات در این معنی به کار رفته است. هم‌چنین در لغت علاوه بر معنای فوق، به معنای پوشش نیز به کار رفته است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ۱۰۷/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۰۷/۱). هم‌چنین به معنای پوشاندن و پنهان کردن نیز به کار رفته است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۴۰۴/۱؛ قرشی، ۱۴۱۲ق، ۱۰۳/۲). راغب اصفهانی نیز حجاب را منع از وصول معنی نموده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۲۱۹).

خداوند متعال می‌فرماید: «إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ: چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید» (احزاب، ۵۳) که در اینجا نیز حجاب به معنای پرده و حائل به کار رفته و پس از اینکه در ابتدای آیه امر به اخذ اذن برای ورود به منزل پیامبر ﷺ نموده، در انتهای آیه امر گردیده است در صورتی که از زنان آن حضرت ﷺ سؤال یا درخواستی دارید، از وراى حجاب مطرح کنید.

در کلام فقهای قدیم برای پوشش اغلب از لفظ «ستر» استفاده شده و کلمه «حجاب» بیشتر در عصر حاضر و در مورد زنان استفاده شده و ممکن است دلیلش این باشد که پوشش و ستر موجب ایجاد حائل بین نگاه نامحرم و جذابیتهای جسم زنان شده و از فساد جلوگیری می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق، ۴۰۳/۱۷) و لذا همین حائل بودن را می‌توان وجه اشتراک دو لفظ «ستر» و «حجاب» دانست و شاید به همین دلیل، امروزه این دو لفظ در معنای واحد به کار می‌روند.

در مقوله حجاب قرائتهای متفاوتی وجود دارد. برخی از افراد با قرائتی حداقلی ستر شرعی را محدود به پوشاندن عورتین دانسته‌اند و برخی دیگر با تمسک به روایاتی بدن زن را عورت دانسته و پوشاندن کامل آن را مقصود از ستر شرعی می‌دانند. طرفداران نظریه

حجاب حداقلی که اغلب از متاخران هستند در سالهای اخیر با تمسک به برخی ادله قرائت حداکثری کنونی از حجاب را فراتر از مقصود شریعت در ستر شرعی می‌دانند.

### ادله قائلین به نظریه حجاب حداقلی

مفهوم حجاب حداقلی بیانگر قرائتی از مقوله ستر شرعی است که با ستر عرفی کنونی تفاوت‌های زیادی دارد. در این قرائت، ستر شرعی با رویکردی حداقلی و تحدیدشده در عورتین و عدم وجوب ستر مو و برخی دیگر از اعضا بحث شده است. در حجاب حداقلی ستر شرعی در برابر کشف عورت جاهلی قرار گرفته و منظور از آن را صرفاً پوشاندن اعضای خاص بدن (مانند عورتین) می‌داند. کتاب «حجاب شرعی در عصر پیامبر ﷺ» نقش مهمی در بازنگری در انگاره حجاب و حداقلی‌دانستن آن در عصر حاضر دارد. امیرحسین ترکاشوند در این کتاب با تمسک به ادله مختلف و رویکرد تساهل نسبت به احکام دین، نگرش جدیدی در جنبه «شرعی» حجاب و در جنبه «عصری» آن ایجاد می‌کند. به‌طور کلی ادله قائلین به نظریه حجاب حداقلی را می‌توان در موارد زیر برشمرد.

#### ۱. عدم دلالت آیات قرآن بر حکم تکلیفی نسبت به مقوله حجاب

یکی از مهم‌ترین ادعاهای قائلین به نظریه حجاب حداقلی، عدم دلالت آیات قرآن بر وجوب حجاب است. طرفداران این نظریه حجاب را مقوله‌ای فرهنگی می‌دانند و حیطة دلالت ستر در قرآن را شامل عورتین دانسته و دلالت آن بر پوشش سر و گردن را منکر می‌شوند (ترکاشوند، ۱۳۹۰، ش، ۴۲۳).

هنگامی که قائلین به نظریه حجاب حداقلی توانستند حجیت قرآن در مقوله حجاب را دچار خدشه نمایند به سراغ رجوع به عرف زمان پیامبر ﷺ و نقلهای تاریخی از آن زمان رفته تا با تمسک به شرایط عرفی و عدم رعایت ستر در آن زمان، قرائت نازلی از مقوله حجاب را عرضه نمایند.

دلالت آیه ۵۹ سوره احزاب و واژه‌شناسی «جلباب»، هم‌چنین آیات ۳۱، ۳۰ و ۱۹ همان سوره به‌وضوح این حقیقت را بیان می‌کند که قرآن حجاب را مقوله‌ای فرهنگی ندانسته و آن را مورد خطابات شرعی قرار می‌دهد. در تفسیر کشاف به این نکته اشاره شده که زنان در زمان نزول آیه دارای حجاب سر و صورت بودند و اما گریبانهایشان گشاد و باز بود. منظور

از «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ» نیز همین ستر کامل و پوشانیدن گریبان است (زمخشری، ۱۳۹۱ش، ۳/۲۳۱) و بنابراین استدلال قائلین به نظریه حجاب حداقلی در بحث عدم دلالت قرآنی غیر قابل قبول است.

## ۲. عادی‌انگاری کشف عورت در زمان جاهلیت

نظریه حجاب حداقلی اتکاء زیادی به ترسیم حجاب حداقلی زمان جاهلیت دارد. در این بین طرفداران این نظریه تلاش می‌کنند تا با عرفی‌نشان‌دادن مواردی مانند کشف عورت، خطابات ستر شرعی را ناظر به رعایت حداقلهای حجاب نموده و تعمیم آن را به مواردی مانند ساق پا و یا موی سر نادرست بدانند.

یکی از مهم‌ترین نقل‌های تاریخی در این زمینه بحث طواف عریان است. طرفداران نظریه حجاب حداقلی طواف عریان را پدیده‌ای رایج در بین اعراب جاهلی می‌دانند (ترکاشوند، ۱۳۹۰ش، ۱۰۸). عریان‌بودن در طواف قباحتی نداشت و حتی زنان از اینکه شرمگاهشان در طواف آشکار شود دغدغه‌ای نداشتند (همان، ۱۱۰-۱۰۹).

آن چیزی که مشخص است اینکه طواف عریان سابقه طولانی در فرهنگ اعراب جاهلی نداشته و پس از عام‌الفیل پایه نهاده شده است (ازرقی، ۱۴۲۴ق، ۱/۱۳۹)، که آن هم به‌طور عمومی نبوده و تنها کسانی برهنه طواف می‌کردند که توانایی گرفتن لباس از اهل مکه را نداشتند (ابن‌هشام، ۱۴۱۱ق، ۱/۱۸۸-۱۸۱). گزارشهای مختلفی در خصوص زنان فقیری که نمی‌توانستند لباس اهل مکه را بگیرند وجود دارد که به دلیل حجب و حیا از فرصت شب برای طواف استفاده می‌کردند و یا شرمگاه خود را به طریقی می‌پوشاندند (همان‌جا) و بنابراین ادعای قائلین به حجاب حداقلی در عادی‌انگاری مقوله کشف عورت حاصل عدم تتبع جمیع آثار است.

## ۳. ساترنبودن لباسهای دوران جاهلیت

یکی دیگر از مواردی که مورد تمسک طرفداران نظریه حجاب حداقلی قرار دارد، ساترنبودن لباسهای زمان جاهلیت است به‌گونه‌ای که منجر به کشف عورت شده و خطابات شرع صرفاً به ستر عورت و ساتر بودن لباسها برمی‌گردد. بر طبق نظر مؤلف، وجود سروال (شلوار) و قمیص (پیراهن) چندان جدی نبود. حتی خود پیامبر ﷺ نیز از ازار و رداء استفاده می‌کرد که

دو جامه ندوخته هستند و توانایی ستر کامل ندارند (ترکاشوند، ۱۳۹۰ش، ۴۹-۵۹). این امر موجب می‌شد تا اتفاقاتی مانند وزش باد موقعیت این پارچه‌های لرزان را تهدید نماید و موجب نمایان شدن اندام فرد گردد (همان‌جا).

وجود گزارشهای مختلف تاریخی در خصوص استفاده از لباسهای دوخته‌شده مانند قمیص که دارای آستین و گریبان بوده است (ابوعبید، ۱۹۹۰م، ۱/۱۷۹؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ۲/۳۲۸) و شاعرانی که استفاده از این‌گونه لباسها را در اشعار خود ذکر کرده‌اند (طرفه بن‌العبد، ۱۴۲۳ق، ۲۲) ناقض استدلال قائلین به ساترنبودن لباسهای زمان جاهلیت است. برای مثال ابن‌مقبل در شعر خود می‌سراید: از روی تکبر مانند باز شکاری نگاهش را کوتاه کرد، درحالی‌که قمیصی معطر به تن داشت<sup>۴</sup> (ابن‌مقبل، ۱۴۱۶ق، ۲۹).

در برخی از بررسیها حتی اشاراتی به پوشش مخصوص سر و صورت بانوان مانند برقع در دوران جاهلیت شده است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ۳/۱۱۸۴) و بنابراین اعراب دوران جاهلیت نیز از پوششهای مختلفی در جهت ستر عورت و بدن و حتی موی سر استفاده می‌کردند که این حقیقت مدعای قائلین به حجاب حداقلی را در استدلال خویش به ساترنبودن لباسهای دوران جاهلیت دچار خدشه می‌نماید. مهم‌ترین نقدی که می‌توان بر نظریه حجاب حداقلی قائل شد تبیین مقاصد شریعت از مفهوم ستر شرعی است، چراکه تبیین آن می‌تواند زیربنای قرائت حداقلی از مقوله حجاب را متزلزل سازد. بدین منظور در ادامه مقاصد شریعت در حوزه حجاب بحث و بررسی خواهد شد.

### مقاصد شریعت در حوزه حجاب و ستر شرعی

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های نقد نظریه حجاب حداقلی، تبیین مقاصد شریعت در حوزه حجاب و تطبیق آن بر حجاب حداقل است. مسلماً شارع مقدس در مقوله حجاب مقاصدی را دنبال می‌نموده و این مقاصد در آیات و روایات ذکر شده است. هنگامی‌که مقاصد شرعی در نظریه حجاب حداقلی تأمین نگردد، مسلماً این نظریه مشروعیت خود را از دست خواهد داد. در ادامه مقاصد شریعت در حوزه حجاب و ستر شرعی به منظور تطبیق با نظریه حجاب حداقلی احصاء و بررسی می‌شود.

۴. بَدَا كَعْتِيقِ الطَّيْرِ قَاصِرَ طَرْفِهِ، مُسْرَبِلَ دِيْبَاجِ الْقَمِيصِ الْمُطَيَّبِ.

## ۱. حفظ جان (نگهداری از گرما و سرما)

حفظ جان بر انسان واجب بوده و محافظت در برابر گرما و سرما به خود انسان که موجودی عاقل و مختار است، سپرده شده است: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمُ بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يَتِمُّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسَلِّمُونَ» و خدا از آنچه آفریده، به سود شما سایه‌هایی فراهم آورده و از کوهها برای شما پناهگاههایی قرار داده و برای شما تن‌پوشهایی مقرر کرده که شما را از گرما [و سرما] حفظ می‌کند و تن‌پوشها [زره‌ها]یی که شما را در جنگتان حمایت می‌نماید. این‌گونه وی نعمتش را بر شما تمام می‌گرداند، امید که شما [به فرمانش] گردن نهید» (نحل، ۸۱).

توضیح آنکه «سَرَابِيلَ» جمع سِرْبَال، هر نوع لباس و هرگونه جامه‌ای است که سرابیل اول درباره لباسهای عادی و برای محافظت درباره سرما و گرماست و سرابیل دوم مراد زره و خفتان و کلاه‌خود و دیگر جامه‌های جنگی است. «بَأْس» هم به معنای جنگ و اذیت و آزار و شداید ناگوار جنگ است که نوع دوم لباس، منظور این پژوهش نیست.

اما وجه عدم ذکر محافظت از سرما برای لباس را تفسیر المیزان این‌چنین تبیین می‌کند: «اینکه نفرمود از سرما، برای این بود که مخاطبین به این خطاب اهالی گرمسیر حجاز بودند که احتیاجشان به حفظ از گرما بیشتر از چیزی بود که از سرما حفظشان کند» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ۱۲/۴۵۵). طوسی نیز دلیل فوق را آورده است: «و خص الحر بذلك مع ان وقایتها للبرد اکثر لامرین أحدهما- إن الذین خوطبوا بذلك أهل حرّ فی بلادهم فحاجتهم الی ما یقی الحرّ أشدّ» (طوسی، بی‌تا، ۴۱۳/۶).

## ۲. حفظ نسل و سلامت خانواده و جامعه

یکی از وظایف مهم زن به‌عنوان یکی از مؤثرترین مخلوقات هستی، تنظیم روابط در خانواده و حسن شوهرداری است. «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ق، ۳۷۰/۹)، چراکه یکی از اهداف ازدواج افزایش نسل بشر است و این ازدیاد نسل باید در مسیر صحیح صورت پذیرد، انسان در مسیر رشد و کمال قرار بگیرد و اگر از مسیر نامشروع صورت پذیرد انسان‌سازی و تربیت فرزند که از اهداف اصلی زندگی زناشویی است ترک خواهد شد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «خداوند متعال زنا را حرام فرمود؛ زیرا مفسدی چون قتل نفس و



از بین رفتن نسبها و ترک تربیت کودکان و به هم خوردن مسئله ارث و میراث و مفسدگی از این قبیل در پی دارد»<sup>۵</sup> (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۵۶۵/۳).

در بیان شرع اهمیت بسیاری به حفظ و سلامت خانواده و در نتیجه حفظ زن داده شده و امر به پوشش زنان و پرهیز از حضور بی دلیل در اجتماع و قرار گرفتن در نگاه نامحرمان شده است، تا جایی که به زنان امر شده بدون اذن همسرانشان از منزل خارج نشوند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۳۰۸/۸) و خروج بدون اذن مستوجب لعنت ملائکه خداوند دانسته شده و حق شوهر بر همسرش از بزرگترین حقوق محسوب می شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق، ۱۲۰/۶) و حتی در برخی از مسائل اجتماعی و از جمله نماز جمعه که در عصر حضور بر مردان واجب است، این وجوب از زنان برداشته شده است، چراکه وجوب آن بر زنان موجب مشقت و همچنین ایجاد فساد و فتنه است (حلی، ۱۴۱۴ق، ۸۶/۴).

هم چنین طبق نظر بسیاری از فقها، اگر خروج زن از خانه اش منجر به مفسده شود؛ یعنی اگر معطر و مزین از منزل خارج شود در حالی که مردان نامحرم او را می بینند، این از گناهان کبیره محسوب می شود، چراکه موجب فتنه و فساد است مگر اینکه به واسطه عذری از منزل خارج شود و ترک عطر و زینت نموده و محاسنش را مخفی کند تا موجبات فساد و فتنه فراهم نشود (جزیری، ۱۴۱۹ق، ۷۱/۵). البته از قرآن کریم چنین به دست می آید که حضور در اجتماع با حفظ حجاب مانعی ندارد (نور، ۳۱) چنان که شرکت زن در نماز جماعت بلامانع است. «وَأَرْكَعِي مَعَ الرَّكْعَيْنِ: و با رکوع کنندگان رکوع نما» (آل عمران، ۴۳).

علت این امر آن است که اگر زن بدون حجاب کامل در جامعه حاضر شود، با توجه به زیبایی و لطافت ظاهری در معرض نظر آلوده نامحرمان قرار خواهد گرفت و همین امر موجب تمایل به وی شده و ممکن است منجر به فساد شده و سلامت خانواده و در نتیجه جامعه را با تهدید مواجه کند. لذا از طرفی امر به پوشش زینت در زنان شده و از طرف دیگر امر به خودداری مردان از نگاه به نامحرم شده است (نور، ۳۰).

۵. «حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى الزَّانَا لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ مِنْ قَتْلِ النَّفْسِ وَ ذَهَابِ الْأَنْسَابِ وَ تَرْكِ التَّرْبِيَةِ لِلْأَطْفَالِ وَ فَسَادِ الْمَوَارِيثِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنْ وُجُوهِ الْفَسَادِ».

### ۳. پیشگیری از فساد و فتنه

مهم‌ترین دلیل دیگری که از آیات و روایات و همچنین نظرات فقها در مورد فلسفه حجاب می‌توان به دست آورد، جلوگیری از فساد و فتنه در جامعه و بین نوع بشر است. پیامبر مکرم اسلام ﷺ در وصف زنان می‌فرماید: «جسد المرأة عورة» (حلی، ۱۴۱۴ق، ۱۰۱/۲) و همچنین در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده که ایشان فرمودند: «والنساء و انما هن عورة» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۱/۱۷۳). آنچه از کلام فقها به دست می‌آید این است که لفظ «عورة» که به معنای زشتی و عیب هست، در این روایات این معنا را نمی‌دهد بلکه به معنای چیزی است که پوشش آن واجب بوده و کشف آن جایز نیست (بروجردی، ۱۴۲۶ق، ۲۵۲/۳).

هم‌چنین گفته شده مقصود از «عورة» در این روایات هر چیزی است که ستر آن واجب بوده و کشف آن حرام است و باید از ظاهرکردن آن حیا کرد؛ بنابراین تمام بدن زن عورت بوده و پوشش آن واجب است و دلیل اینکه گفته می‌شود جسم زن عورت است این است که به‌طور معمول در زنان در بیشتر مدت عمرشان لطافت و زیبایی وجود دارد و لذا معنای «عورة» در این روایات، زیبایی و جمال است و هیچ تناسبی با قبح و زشتی ندارد (صدر، ۱۴۲۰ق، ۱/۳۵۰). پس «عورة» یعنی چیزی که پوشاندن و محافظت از آن لازم است چنانکه در آیه ۱۳ احزاب منافقین به خاطر فرار از جنگ می‌گویند: «إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ: منازل ما حفاظ ندارد» که در اینجا «عورة» به معنای جای بی‌حفاظی است که بیم حمله دشمن به آن می‌رود و محافظت از آن لازم است (نائینی، ۱۴۱۱ق، ۱/۲۸۳)؛ که این محافظت به دو شکل امکان‌پذیر خواهد بود؛ یکی با حفظ آنها در منزل که این مورد بنا بر اولویت است نه وجوب و در این مورد می‌توان به روایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استناد نمود که فرمودند: «زن عورت هست و هنگامی که خارج می‌شود شیطان در قبالش می‌رود»<sup>۶</sup> (حلی، ۱۴۱۴ق، ۲۳۸/۴). مورد دیگر اینکه در صورت ضرورت حضور زنان در اجتماع، این امر باید با پوشش کامل صورت پذیرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بهترین زنان را زنی می‌داند که پوشیده و پاک‌دامن باشد و برای شوهرش زینت نموده و از غیر شوهرش محفوظ و پوشیده باشد. «بهترین زنان شما زن فرزندآور با محبت و باعفت، گرمی در میان خانواده، متواضع در مقابل شوهر، آرایش‌کننده برای شوهر و

۶. «الْمَرْأَةُ عَوْرَةٌ وَأَنَّهَا إِذَا خَرَجَتْ اسْتَشْرَفَهَا الشَّيْطَانُ».

خودنگهدار در مقابل غیر اوست»<sup>۷</sup> (طوسی، ۱۳۶۵ش، ۴۰/۷). ایشان بدترین زنان را زنی می‌دانند که به جای زینت برای شوهرش، خود را برای غیر او زینت کند و پوشیده نباشد (همان‌جا).

امام علی علیه السلام نیز آخرالزمان را بدترین زمانها می‌دانند که در آن زنان کاشف و غیرپوشیده خواهند بود و در نتیجه از دین بیگانه بوده و به دنبال فتنه و فسادند و به دنبال هوس و شهوت و لذات نفسانی بوده و گناهان و محرمات را حلال می‌دانند.<sup>۸</sup>

یکی از علل اصلی تشریح حجاب برای زنان را که همان جلوگیری از فساد در جامعه است بیان می‌کند و نتیجه عدم رعایت آن را فساد و فتنه در مردم و حلال شمردن محرمات می‌داند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳/۳۹۰).

#### ۴. تقوا و تطهیر قلوب

قرآن کریم در موارد متعددی نسبت به پوشش و حجاب مواردی را مطرح نموده و در این زمینه دستوراتی را صادر کرده است. از جمله در آیه ۲۶ سوره مبارک اعراف لباس را مایه زینت و جمال و فخر آدمی دانسته و آن را پوشش واجب می‌داند که کسی از آن بی‌نیاز نیست و به این شکل بر انسان منت می‌گذارد که او را با پوشیدن لباس و زینت هدایت نموده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۸/۶۸).

قرآن به نامحرمان دستور می‌دهد که وقتی به منزل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می‌شوند آن را محفل انس و گفت‌وگو قرار نداده و زود متفرق شوند و اگر به خاطر حاجتی که برایشان پیش آمده ناگزیر شدند با یکی از همسران آن جناب صحبتی کنند، از پس پرده و حجاب صحبت کنند. «وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ: و چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید» (احزاب، ۵۳) و در ادامه مصلحت حکم مزبور را بیان کرده: برای اینکه وقتی از پشت پرده با ایشان صحبت می‌کنید دلهایتان دچار

۷. «إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ الْوَدُودُ الْعَفِيفَةُ الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا الذَّلِيلَةَ مَعَ بَعْهَا الْمُتَبَرِّجَةَ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانُ عَلَى غَيْرِهِ».

۸. «يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ اقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَ هُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَّاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحَلَّاتٍ لِلْمَحْرَمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ».

وسوسه نمی‌شود: «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ: این برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است» و دل‌هایتان را پاک‌تر نگه می‌دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۳۳۷/۱۶).

این استدلال از قرآن کریم چنین اثبات می‌کند که نگاه نامحرم‌ان به یکدیگر در دل آنها تأثیرگذار است و لذا دستور به حجاب و پوشش مناسب داده شده است. چنان‌که ام‌سلمه همسر پیامبر اکرم ﷺ می‌گوید: بعد از نزول آیه حجاب من و میمونه نزد پیامبر ﷺ بودیم. ابن‌مکتوم که از هر دو چشم نابینا بود وارد شد. پیامبر ﷺ فرمودند: پنهان شوید. عرض کردم: یا رسول‌الله ﷺ، ابن‌مکتوم کور است و چیزی نمی‌بیند. حضرت ﷺ فرمودند: «افعمیا وان انتما الستما تبصرانه: آیا شما هم نابینا هستید؟ آیا او را نمی‌بینید؟» (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۶۶/۲۳)

از این مطلب چنین برمی‌آید که وقتی این زنان عقیفه و محجوب مأمور به پوشاندن خود از کوران هستند پس به‌طور اولی در مقابل بسیاری از افراد ناپاک در جامعه باید پوشش کامل رعایت شود.

البته چنان‌که بسیاری از فقها عنوان نموده‌اند، حجاب در آیه مذکور به معنای پرده و حائل بوده و حکم آن مختص زنان پیامبر ﷺ بوده و از فضایل آن حضرت ﷺ محسوب می‌شود و لذا سایر زنان دستور پرده‌نشینی ندارند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۷۹/۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق، ۳۲/۱)؛ اما با تنقیح مناط می‌توان حکم را شامل زنان دیگر هم دانست (قرشی، ۱۴۱۲ق، ۱۰۴) و هم‌چنین می‌توان حکم آن را به بحث پوشش و ستر نیز تعمیم داد، چنان‌که برخی فقها با استناد به این آیه، حکم به ستر تمام بدن زن نموده‌اند (محقق داماد، ۱۴۱۶ق، ۳۵۴/۱) و برخی دیگر نیز در استدلال به موضوع حجاب به این آیه استناد نموده‌اند (نجفی، ۱۴۱۵ق، ۲۹)؛ بنابراین حکم تطهیر قلوب نسبت به حجاب عرفی یعنی پوشش زنان نیز قابل اثبات بوده و نتیجه آن نیز هست.

از مجموع آیات می‌توان چنین نتیجه گرفت که پوشش و رعایت حدود آن موجب تقوا بوده و این پوشش ظاهری و پوشانیدن عورت ظاهری، ثمره‌اش تقوا و پوشاندن عورت باطنی است. به عبارت دیگر بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل است یعنی هرچه حجاب و پوشش ظاهری بهتر باشد، در تقویت و پرورش روحیه باطنی و درونی تأثیر بیشتری دارد.

## ۵. تکمیل زیبایی آفرینش

در اینکه انسان زیباست و زیبایی را دوست دارد شکی نیست و نگاه کردن به زیباییهای انسان نیز در برخی روایات تأیید شده است. مثلاً از علی بن سوید روایت شده که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «من مبتلا هستم که نگاه به زنان زیبایی آنها مرا به عجب وامی دارد و گاهی لذت می برم و منتها قصد لذت ندارم. امام علیه السلام فرمود: اشکال ندارد؛ هنگامی که نیت و قصد تو صحیح باشد»<sup>۹</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹، ق، ۲۳۲/۱۴) که البته حر عاملی جواز نگاه کردن بر زن را حمل بر هنگام ازدواج و غیر عمد بودن نموده است.

چه بسا با در کنار هم گذاشتن این روایت و روایات حرمت نگاه به نامحرم بتوان چنین استنباط نموده که معیار حرمت خوف از افتادن در فساد و فحشا و گناهای مانند زناست و یا در روایتی دیگر می فرماید: «نشاط و شادی در ۱۰ چیز است: ۱. راه رفتن؛ ۲. سواری- کردن؛ ۳. فرورفتن در آب؛ ۴. نگاه کردن به سبزه؛ ۵. خوردن؛ ۶. آشامیدن؛ ۷. نگاه به زن زیباروی و...»<sup>۱۰</sup> (همان، ۳۵۰/۱) که طبق این روایت خوشیهای دنیوی در ده چیز است که از جمله آنها نگاه کردن به زن زیباست، حتی در برخی روایات نگاه به زن باعث روشنی چشم معرفی شده است: «دیدن زن خوب روی و سبزه بینایی را فزون می کند»<sup>۱۱</sup> (پاینده، بی تا، ۷۹۰/۱) که البته منظور نگاه حلال است و نه نگاهی که آلوده به گناه و زمینه ساز فحشا باشد.

یکی از آیاتی که بر زینت بودن لباس بدان استناد شده آیه «یا بنی آدم خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ: ای فرزندان آدم، جامه خود را در هر نمازی برگزید» (اعراف، ۳۱) هست. تفاسیر نیز با اشاره به اینکه قبل از اسلام زنان و مردان هنگام طواف عریان بوده اند شأن نزول این آیه را الزام به پوشیدن لباس در هنگام نماز و طواف در همه مساجد به عنوان زینت می دانند.

۹. «قلت لأبي الحسن علیه السلام: إني مبتلى بالنظر إلى المرأة الجميلة فيعجبني النظر إليها، فقال: يا علي لا بأس إذا عرف الله من نيتك الصدق».

۱۰. «النشرة في عشرة أشياء: المشى، والركوب، والارتماس في الماء والنظر إلى الخضرة، والاكل، والشرب، والنظر إلى المرأة الحسناء و...».

۱۱. «النظر إلى المرأة الحسناء والخضرة يزيدان في البصر».

بحرانی نیز در تفسیر خود مطلبی را نقل می‌کند که زینت بودن لباس را به‌عنوان یکی از مقاصد شارع در این آیه تأیید می‌کند (بحرانی، ۱۳۷۴ ش، ۵۳۲/۲). فردی از امام حسن علیه السلام علت پوشیدن بهترین لباسهای خود هنگام نماز را سؤال می‌کند و ایشان ضمن اشاره به آیه محل بحث، می‌فرماید خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. من هم دوست دارم خودم را برای خدای خود زیبا کنم لذا بهترین لباسهایم را می‌پوشم.

هم‌چنین ذیل آیه «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ: [ای پیامبر] بگو: زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟» (اعراف، ۳۲) در تفسیر المیزان ضمن اشاره به اعتراض سفیان ثوری به امام صادق علیه السلام که لباسهای زیبا و گران بها پوشیده بود اشاره می‌کند که امام علیه السلام آیه «قل من حرم زينه الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق» را تلاوت نموده، فرمود: ما از هر کس دیگری به استفاده از داده‌های پروردگار سزاوارتریم.

یکی دیگر از آیاتی که به آن در زینت بودن لباس اشاره شده آیه ۲۶ سوره اعراف است «يا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ: ای فرزندان آدم! بر شما لباسی که شرمگاهها پتان را بیوشاند و نیز لباسی که زیور و زینتی باشد فرو فرستادیم و لباس تقواست که بهترین لباس است؛ اینها از آیات خداست باشد متذکر شوند.»

در این آیه «لباس» به هرچه با آن بدن را بیوشانند، گفته می‌شود خواه پیراهن (ثوب) و مانند آن باشد یا حتی زره و بلکه برای پوشاندن امور دیگر هم به‌کار می‌رود، مانند لباس کعبه و لباس هودج (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۶۳۱/۴؛ فیومی، ۱۴۱۸ ق، ۵۴۸/۲). این کلمه از ماده «لبس» گرفته شده است. اصل این ماده بر همان پوشاندن (ستر) دلالت می‌کند؛ و از آنجاکه با پوشاندن مطلبی، زمینه برای اشتباه مهیا می‌شود، در معنای اختلاط و مشتبه شدن امور هم به‌کار رفته است (مصطفوی، ۱۳۶۸ ش، ۱۶۰/۱۰).

ذیل آیه فوق روایتی نقل شده که می‌فرماید: «فَأَمَّا اللَّبَاسُ فَالْتِّيَابُ الَّتِي يَلْبَسُونَ، وَ أَمَّا الرِّيشُ فَالْمَتَاعُ وَ الْمَالُ، وَ أَمَّا لِبَاسُ التَّقْوَى فَالْعَفَافُ لِأَنَّ الْعَفِيفَ لَا تَبْدُو لَهُ عَوْرَةٌ - وَ إِنْ كَانَ عَارِيًّا مِنَ الثِّيَابِ، وَ الْفَاجِرَ بَادِيَ الْعَوْرَةِ وَ إِنْ كَانَ كَاسِيًّا مِنَ الثِّيَابِ، يَقُولُ وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ يَقُولُ الْعَفَافُ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۷ ق، ۲۲۶).

طباطبایی ذیل آیه «قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَآتِكُمْ وَ رِيشًا» می‌فرماید اینکه «ریشا» را هم عطف بر «لباسی که شرمگاهها را می‌پوشاند» و به‌عنوان آنچه خدا نازل کرده، مطرح نمود، بر مباح بودن استفاده از لباس زینتی دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ۶۹/۸). ابن‌بابویه نیز روایتی را املاء فرموده که پیامبر ﷺ هنگام تهیه لباس جدید دعایی می‌خواندند که در آن از لباس به‌عنوان ریاشی که با آن نزد مردم زیبا می‌شوند یاد کرده است (ابن‌بابویه، ۱۴۱۱، ق، ۳۳۸/۱).

### ۶. جلوگیری از آزار و اذیت و امکان حضور زنان در جامعه

حفظ پوشش نوعی احترام به زن محسوب می‌شود، چراکه او را از نگاه‌های شهوانی و حیوانی در امان داشته و از آزار و اذیت حفظ می‌کند و به‌واقع در جامعه‌ای که زنان آن پوشیده‌اند به‌جای جنسیت، انسانیت مورد توجه قرار خواهد گرفت و امنیت اجتماعی را که خود از مقاصد شریعت است تأمین می‌کند. قرآن کریم پس از دستور به پوشش، علت این امر را شناخته‌شدن آنها به عفت و پاک‌دامنی و در نتیجه جلوگیری از اذیت و آزار دانسته است (احزاب، ۵۹).

یکی از مهم‌ترین دلایلی که در روایات و هم‌چنین در نظر فقها در فلسفه حجاب می‌توان یافت، جلوگیری از فساد و فتنه در جامعه و بین افراد بشر هست. قرآن کریم نیز زن و مرد را به‌عنوان لباس یکدیگر معرفی می‌کند. «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ؛ آنها لباس شمایند» (بقره، ۱۸۷). در اینجا ظاهر از کلمه لباس همان معنای معروفش است؛ یعنی جامه‌ای که بدن انسان را می‌پوشاند و این دو جمله از قبیل استعاره است برای اینکه هر یک از زن و مرد طرف دیگر خود را از رفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه آن در بین افراد نوع جلوگیری می‌کند و به‌واقع چون لباس در هر فردی نزدیک‌ترین شیء به اوست و عیوب و عورت و زشتی فرد را می‌پوشاند، زن و شوهر هم نسبت به یکدیگر چنین حالتی را دارند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ق، ۶۵۰/۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ۶۴/۲؛ نجفی، بی‌تا، ۷۶/۲۹).

در ضمن می‌توان لباس را در اینجا به معنای وسیله و سبب آرامش در نظر گرفت؛ یعنی هر یک از زوجین سبب آرامش دیگری است. چنان‌که قرآن در جای دیگر می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا؛ شب را وسیله آرامش برای شما قرار دادیم» (نبا، ۱۰) (طبرسی، ۱۳۷۲، ش، ۵۰۴/۲).

بنابراین آنچه می‌توان از این آیه در نظر گرفت این است که زن و مرد موجب پوشش و آرامش یکدیگرند، چراکه به‌طور معمول وقتی زوجین نسبت به یکدیگر تعلق و هم‌پوشانی کامل دارند و بی‌توجه به دیگران هستند، کمتر مورد توجه و آزار دیگران قرار می‌گیرند. چنان‌که در مورد پوشش انسان هم هر قدر پوشش کامل‌تر باشد، فرد کمتر مورد آزار و اذیت دیگران قرار خواهد گرفت.

### نتیجه

۱. منظور از مقاصد و مصالح ضروری آن دسته از مقاصد است که عدم دستیابی به آنها به معنای از بین رفتن موضوع اعمال مصلحت یعنی انسان است. در واقع این دسته از مصالح در پیوند با تداوم زندگی انسان و مؤثر در بقای وی هستند. اهداف ضروری را می‌توان در پنج مورد برشمرد: حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال.
۲. با توجه به این تقسیم‌بندی مقاصد شریعت در حوزه حجاب و ستر شرعی شامل موارد ذیل می‌گردد: اول: حفظ جان از طریق نگهداری از گرما و سرما؛ دوم: حفظ نسل و حفظ دین از طریق حفظ سلامت خانواده و جامعه؛ سوم: پیشگیری از فساد و فتنه؛ چهارم: تقوا و تطهیر قلوب؛ پنجم: تکمیل زیبایی آفرینش؛ ششم: جلوگیری از آزار و اذیت زنان، تأمین امنیت اجتماعی و امکان حضور زنان در جامعه.
۳. نظریه حجاب حداقلی بر طبق مصادیق ذکر شده از مقاصد شریعت فاقد مشروعیت است، چراکه بر طبق استدلال‌های صورت گرفته، قرائت حداقلی از حجاب در تنافی با حفظ دین و جامعه و عاملی در راستای ترویج فساد و ممانعی در مسیر تقوا و تطهیر قلوب و تکمیل زیبایی‌های آفرینش است؛ بنابراین هم دلالت ادله قائلین نظریه حجاب حداقلی در اثبات مدعای خود ناتمام است و هم این نظریه در تضاد با مقاصد شارع در مقوله حجاب هست.
۴. یکی از اقدامات برای ترویج حجاب و عفاف مصداق‌سازی برای تعیین پوشش حداقلی و حداکثری مشروع است تا جامعه گرفتار پوشش حداقلی غیر مشروع نشود، چادر حجاب برتر است، ولی می‌توان از پوشش‌های دیگری که بدن را می‌پوشانند نیز به عنوان حجاب حداقلی مشروع استفاده کرد. پرهیز از ارائه یک الگوی واحد در پوشش اسلامی و استفاده از تبیین مناسب مقاصد شریعت در حوزه حجاب در انتقال مفاهیم دینی و نیز الگوسازی برای جوانان از راه‌های موثر ایجاد حس مثبت به پدیده حجاب است.



۵. در دین اسلام حجاب دارای فلسفه‌ای است که برخی از دلایل وجوب آن عبارتند از: تقویت امنیت اجتماعی زنان، افزایش آرامش روانی در جامعه، حمایت از خانواده در کارکرد جنسی و ... که نمی‌توان این کارکردها را از زمان و جامعه‌ای حذف کرد تا بتوان حجاب را تابعی از مقتضیات زمانه دانست.

## فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، قم، مؤسسه البعثة، ١٤١٧ق.
- همو، تفسیر القمی، بیروت، دارالسرور، ١٤١١ق.
- همو، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٣ق.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤٢١ق.
- ابن عاشور، محمدطاهر بن محمد، مقاصد الشریعه الاسلامیه، اردن، دارالفائس، ١٤٢١ق.
- ابن مقبل، دیوان ابن مقبل، بیروت، دارالشرق العربی، ١٤١٦ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر؛ دارصادر، ١٤١٤ق.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، بیروت، دارالجلیل، ١٤١١ق.
- ابوالصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین، الکافی فی الفقه، اصفهان، مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ١٤٠٣ق.
- ابوعبید، قاسم بن سلام، الغریب المصنف، تونس، المؤسسة الوطنیه، ١٩٩٠م.
- ازرقی، محمد بن عبدالله، أخبار مکة و ما جاء فیها من الآثار، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیة، ١٤٢٤ق.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه البعثة، ١٣٧٤ش.
- بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ١٤٠٥ق.
- بروجردی، سید حسین، تبیان الصلاة، قم، گنج عرفان، ١٤٢٦ق.
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، بدرقه جاویدان، بی تا.
- ترکاشوند، امیرحسین، حجاب شرعی در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله، تهران، مؤلف، ١٣٩٠ش.
- جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الأربعة، بیروت، دارالتقلین، ١٤١٩ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دارالعلم للملایین، ١٤١٠ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ١٤٠٩ق.
- حسینی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ١٤١٤ق.
- حلّی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ١٤١٤ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالقلم؛ بیروت، الدار الشامیة، ١٤١٢ق.

- ریسونی، احمد، *نظریه المقاصد عند الامام الشاطبی*، بیروت، المؤسسة الجامعية للدراسات، ۱۴۱۲ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، تهران، ققنوس، ۱۳۹۱ش.
- شاطبی، ابراهیم بن موسی، *الموافقات*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۴۱ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، *مسالك الأفهام الى تنقیح شرائع الإسلام*، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
- صدر، سید محمد، *ماوراء الفقه*، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۲۰ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۳۹۰ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
- طرفه بن العبد، *دیوان طرفه بن العبد*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، بی تا.
- همو، تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- فاسی، علال، *مقاصد الشریعة الإسلامیه و مکارمها*، بیروت، دارالغرب الإسلامی، ۱۴۱۱ق.
- فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، بیروت، المكتبه العصریه، ۱۴۱۸ق.
- قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۱۲ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
- محقق داماد، سید محمد، *کتاب الصلاة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، قم، صدرا، ۱۳۷۶ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۲۲ق.
- نائینی، محمدحسین، *کتاب الصلاة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۱ق.
- نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، بی تا.
- همو، *مجمع الرسائل*، مشهد، مؤسسه حضرت صاحب الزمان علیه السلام، ۱۴۱۵ق.